

یک‌شنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۰ ۱۲ صفرالحرام ۱۴۴۳ ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۱

اخبار

محمد زارع شیرین کن‌دی نوشت؛

وحدت شعر و شخصیت شهریار

محمد زارع شیرین کن‌دی در تازه‌ترین یادداشت ارسالی خود به به مناسبت روز ملی شعر و ادب فارسی و بزرگداشت زنده یاد محمدحسین شهریار، درباره این شاعر شهیر ایرانی نوشته است. زارع دکترای فلسفه از دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران دارد. به قلم او کتاب‌هایی چون «تفسیر هایدگر از فلسفه هگل»، «هایدگر و مکتب فرانکفورت» و «پدیدارشناسی نخستین مراحل خودآگاهی فلسفی ما: مقالاتی درباره برخی اندیشمندان و روشنفکران کنونی ایران» منتشر شده‌اند. زارع همچنین مترجم کتاب‌هایی چون «لوکاچ و هایدگر: به سوی فلسفه‌ای جدید» اثر لوسین گلدمن و «نظریه اجتماعی و عمل سیاسی: بررسی رویکردهای پوزیتیویستی، تفسیری و انتقادی» نوشته برایان فی است. یادداشت او را در ادامه بخوانید:

در معروفیت بیش از اندازه و مقبولیت نسبی شهریار و شعر او، شاید، پاره‌ای از گرایش‌ها و مناسبات عاطفی و انگیزه‌های اعتقادی مداخلیت داشته باشد اما به جرئت می‌توان گفت که وجه امتیاز شهریار از بسیاری از معاصرانش عبارت است از اتحاد شعر او با شخصیت‌اش. شعر و شخصیت شهریار حقیقتاً و دقیقاً عجین‌اند. شعر او، گذشته از قوت یا ضعف‌اش و بساطت یا غموض‌اش و ماندگاری یا گذرای‌اش، کاملاً گویای وضع و حال زندگی‌اش است. مهم‌ترین حادثه زندگی او، یعنی عشق‌اش، پاک‌ی و پارسیابی‌اش در مسیر دشوار این عشق و راستی و درستی‌اش در مراحل بعدی این سلوک، او را به شخصیتی پخته و سوخته و گداخته و در یک کلمه پاک‌باخته بدل کرد. شهریار در مقام یک آذربایجانی، شاید، صادق‌ترین و صمیمی‌ترین شاعر معاصر در بیان حقایق روحی و روانی، هم با خویش و هم با جامعه باشد. پر واضح است که شهریار با دقت مواظب زبان و واژه‌ها و تعابیر و عبارات و مثل‌ها و... بود و عشق را به اموری منتحط تخفیف و تنزل نداد. برخلاف بعض شاعران معاصر، او در فکر انتقام از تاریخ و جامعه و سیاست نبود و نمی‌خواست شعر و شاعری را بیهانه‌ای برای گوشودن عقده‌های پیدا و پنهان قرار دهد.

شهریار ناخوسته و به ناگزیر به دام عشق افتاد و همین عشق جبری به شکست انجامید و از آن پس همین عشق شکست خورده روح و روان‌اش را روز به روز تجلی و تعالی بخشید. او هر شعرى سرود، به اقتضای طبع چون آب و احساس چون باران و عاطفه چون آتش و حافظه ادبی چون درباریش بوده است. شهریار، برخلاف بسیاری از همروزگارش، بدون آتش شفق در دل، هرگز از اشتیاق و عشق نمی‌سوزد و نمی‌گازد؛ بدون درد هجران در وجود، از فراق نمی‌نال‌د؛ بدون شوق وصل و دیدار، از غم دوری و دیدار نمی‌سراید. شعر او از روی و ریا و تظاهر و دروغ و فریب می‌راست، به تعبیر مولوی:

عاشقی پیداست از زاری دل * نیست

بیماری چو بیماری دل

اگر شهریار از ناملایمات و بداقیالی‌ها و نامردمی‌ها می‌گوید، اگر از مرارت‌ها و مشقت‌ها می‌سراید و اگر از جور و جفا و ظلم و بیداد ناله سر می‌دهد همگی منطبق با واقعیت‌اند زیرا با آشنایی اجمالی می‌توان فهمید که زندگی او یک تراژدی تمام است. در تاریخ هنر و فلسفه بوده‌اند مشاهیری که شخصیت انسانی چندان سالم و نیکو و موجه و مقبولی نداشته‌اند، اما آثارى درخور و ممتاز و ستودنی از خود به جای گذاشته‌اند و به عکس، اما در شهریار، شخصیت و شعر کاملاً متحدند و در آینه‌ی یکی به روشنی می‌توان دیگری را دید. به گمان من که پاره‌ای از اشعار فارسی و ترکی شهریار را خواندم، پرسش اساسی آن است که اگر شهریار معاصر ما نمی‌بود و اگر ما گریه‌های همیشگی او را ندیده و نشنیده بودیم، آیا باز می‌توانستیم آن گریه‌ها و ناله‌ها را در کلام او حس کنیم؟

اگر شهریار هم‌روزگار ما نمی‌بود آیا باز می‌توانستیم سوز نهان او را در شعرش دریابیم؟ به دیگر سخن، آیا نشانه‌های ماندگاری در شعر او دیده می‌شود یا نه؟ حافظ که شهریار ارادتی زایدالوصف به او داشت و هیچ شاعری را به اندازهٔ او بزرگ نمی‌داشت، می‌گوید که: «بیان شوق چه حاجت که سوز آتش دل * توان شناخت ز سوزی که در سخن باش». اگر این معنا درست باشد بی تردید آیندگان نیز خواهند توانست در شعر شهریار دردها و رنج‌ها و آرزوها و آرمان‌ها و در عین حال وسعت و عظمت روح او را درک و فهم کنند. علی‌الخصوص که خود شهریار در زمان حیات‌اش شاهد استقبال کم نظیر از اشعار فارسی و ترکی‌اش بود. تا آنجا که گفته است: «شهریارا تو به شمشیر قلم در همه آفاق» به خدا ملک دل‌ی نیست که تسخیر نکردی.» از جمله اشعار شهریار که احتمال ماندگاری‌شان بسیار قوی است منظومه «هذیان دل» و شعر آزاد «ای وای مادرم» و منظومه «حیدربابایه‌سلام» به ترکی و پاره‌ای از ناب‌ترین و تغزیرین غزل‌هایش را می‌توان نام برد. «حیدر بابا» را همگان می‌شناسند. «هذیان دل» منظومه‌ای است نیرومند و استوار و پایدار و در عین حال تازه و پرتواوار در درخشان. این شعر گاه گویی «حیدربابایه سلام» است به فارسی شیوا و پیراسته و سنجیده، و گاه گویی «فسانه» نیماست با صورت و ماده‌ای دیگر. «ای وای مادرم» تصویری پررنگ و اثرگذار از جزئیات وقایع ختم مادر است که هر خواننده سرخروان و خردسودر را به قطع و یقین محزون و منتاز خواهد کرد.

نمی‌دانم شهریار چه اندازه شاعر شاعران است اما مسلماً شاعر مردمان است از هر سن و صنف و گروه و طبقه. قلم در صورت، شهریار با شعر و غزل‌اش یکی است و کمترین فاصله‌ای را میان‌شان نمی‌توان تصور بود. او خود رقعه است و اینک همان شعر و جوهره و تک تک ابیات آن است که با مخاطبان سخن می‌گوید؛ شعری که بعینه خود شهریار است چه بماند و بپاید، چه نماند و نپاید.

اخبار

در آستانه ی گرامیداشت هفته دفاع مقدس برگزار می شود:

آیین تجلیل و رونمایی از کتاب «حاج صادق آهنگران»



فرهنگسرای خاوران در آستانه ی گرامیداشت هفته دفاع مقدس، آیین تجلیل و رونمایی از «کتاب آهنگران» را با حضور حاج صادق آهنگران، سردار فدوی جانشین فرمانده کل سپاه، حجت الاسلام والمسلمین میثم امرودی رئیس سازمان فرهنگی هنری؛ گلعلی بابایی نویسنده و جمعی از مسئولین لشکری و کثوری روز دوشنبه بیست و نهم شهریورماه ساعت ۱۷ برگزار می کند.

به گزارش امتیاز: اسماعیل قضات لو مدیر فرهنگی هنری منطقه پانزده و رئیس فرهنگسرای خاوران با اعلام این خبر گفت: خاطرات سالهای جنگ تحمیلی با صدای حاج صادق آهنگران عجین شده و شرح دلآوری های زرمندگان دلیر اسلام با نوای دلنشین حاج صادق بر لوح جان مان نقش بسته است، از همین رو فرهنگسرای خاوران در نظر دارد تا همزمان با آغاز هفته دفاع مقدس و به رسم تقدیر از سالها مجاهدت و نوحه خوانی حاج صادق در جبهه های حق علیه باطل؛ از خدمات ارزنده ی ایشان تجلیل به عمل آورده و از «کتاب آهنگران» رونمایی کند.

قضاتو افزود: «کتاب آهنگران» مجموعه خاطرات و نوحه های حاج صادق آهنگران است که در طی سالهای دفاع مقدس توسط انتشارات یازهرا جمع آوری گردیده و در قالب دو کتاب و سه لوح نشرشده به چاپ رسیده است.

رئیس فرهنگسرای خاوران در پایان گفت: این برنامه روز دوشنبه بیست و نهم شهریورماه ساعت ۱۷ با رعایت کامل پروتکل های بهداشتی در فرهنگسرای ارسباران به نشانی خیابان شریعتی، بالاتر از پل سید خندان، خیابان جلفا برگزار خواهد شد و علاقه مندان برای کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص می توانند با شماره تلفن۳۳۰۰۰۳۳ تماس بگیرند.

کتاب گفت‌وگو با «سم پکینپا» به ترجمه شاهین کربلایی طاهر» به چاپ دوم رسید

کتاب گفت‌وگو با «سم پکینپا» یکی از مشهورترین فیلمسازان آمریکایی، اثر «کوبن جی. هیز» با ترجمه «شاهین کربلایی طاهر» توسط انتشارات ققنوس برای بار دوم تجدید چاپ شد.

به گزارش امتیاز: «شاهین کربلایی طاهر» فیلمساز، نویسنده و مترجم، عضو آکادمی سینما و تلویزیون کانادا است که سینمای آمریکا را در کلاس‌های «ابین اود» Robin Wood منتقد سراسش و فقید سینما در دانشگاه «یورک» York در کشور کانادا آموزش دیده است و سابقه تدریس در دانشکده فیلم دانشگاه «یورک» و دانشگاه‌های ایران را کارنامه آکادمیک خود دارد. وی مؤسس کمپانی سینمایی «شاهین‌فیلمز» SHAHINFILMS در تورنتو که در تولید و تولید مشترک آثار سینمایی مشارکت داشته است. «برهنه تا شب» Naked Till Night عنوان آخرین فیلم بلند این کارگردان است که کاندید بهترین فیلم بلند داستانی از جشنوارهٔ بین‌المللی «فلستاف» انگلستان و منتخب در بخش بین‌المللی بیست و نهمین جشنوارهٔ فیلم «فراتر» است. در حال حاضر، بر روی پروژهٔ تحقیقی «ارتباط بین سینما و فلسفه» در دانشگاه هنرهای زیبای هامبورگ کار می‌کند.

این نویسنده آثار ادبی و سینمایی؛ تألیفاتی را به انگلیسی به رشته تحریر درآورده است، از جمله؛ رمان Aquarium چاپ شده در آمازون، داستان کوتاه Wiki Never Ring چاپ Faint Praise را نوشته که برندهٔ یک چهارم نهایی جشنواره‌های بین‌المللی فیلمنامه‌نویسی ScreenCraft ۲۰۲۱ و Big Break ۲۰۲۰ بوده است.

وی فیلمنامه The Canadian Job را نیز نوشته که برنده نیمه نهایی جشنواره بین‌المللی فیلمنامه‌نویسی Wiki Contest ۲۰۲۱ بوده و همچنین فیلمنامه Being Nobody آپشن برای تولید است.

کربلایی طاهر که در حوزه تألیف آثار ادبی و سینمایی نیز فعال است، همچنین آثاری را به زبان فارسی نوشته است که شامل؛ کتاب‌های «سینمای آخرازلمانی» (نشر شورآفرین)، «سینمای اعتراض» (نشر اختران)، «تارخفسکی» (رمان، نشر مروارید)، «ستاره رفتنی است» آسمان را دریاب» (رمان، نشر نگاه)، «زندگی سگی مرد دقیق» (مجموعه داستان کوتاه، نشر شورآفرین) و همچنین «اسپیکتولاماسوس‌ها» (رمان کوتاه، نشر روانشناسی و هنر) می‌باشند.

«شاهین کربلایی طاهر» کتاب‌هایی را نیز از زبان انگلیسی به زبان فارسی برای علاقمندان به آثار سینمایی و ادبی ترجمه کرده است که شامل؛ «گفت‌وگو با سم پکینپا» (نشر ققنوس)، «هیچکاک به روایت هیچکاک» (نشر ققنوس)، «گفت‌وگو با آرتور پن» (نشر شورآفرین)، «سینمای مولودرام» (نشر شورآفرین)، «راست مبینگوی: آخرین مصاحبه» (نشر آفتابکاران)، «اک دریدا: آخرین مصاحبه» (نشر آفتابکاران) و همچنین «کورت وانگات: آخرین مصاحبه» (نشر آفتابکاران) می‌باشند.

روزنامه‌نویسان ایران

امتیاز

به مناسبت روز شعر و ادب فارسی

شهریار حلقه وصل محکم بین آذربایجان و ایران



من‌بعد از انقلاب با ایشان آشنا شدم، قبل از انقلاب هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشتیم.»

شهریار شعر معاصر می‌آورد؛ چنان‌که برای آلمان و روسیه و فرانسه و آمریکا فراهم آورد و برای ایران به‌نوعی دیگر. اما مهم آن است که بدانیم شعر برای ایران همچون هالیوود برای ایالات‌متحده یا موسیقی کلاسیک برای آلمان یا رمان برای روسیه و فرانسه است.
چندان هم نباید غصه این را خورد که از دوران اوج شعرای ما قرن‌ها می‌گذرد. هر هنری یک دوران اوج و افول دارد، مگر مثل هوگو یا داستایوسکی دوباره آمده و یا دوباره می‌آید؟ خیلی مسائل باید دست‌به‌دست هم دهد تا هنرندنی نایفه سر برآورد. تا قله‌ای به آسمان سر برکشد؛ دامنه‌های فراوان باید در طول سال‌ها گرد بیایند. به هر رو شعر در خون مردم این سرزمین است. زندگی هر ایرانی با شعر آغاز خواهد شد و کودک در گهواره انواع لالایی‌های شعرگونه می‌شوند تا با شعر انس بگیرد و پس از مرگ آریاه مزارش شعری نوشته می‌شود. شعر زبان آئینی مردم است و پل ارتباطی آنان با مقدسات است که همین یک فقره، گویای اهمیت پاسداری از حريم این عنصر اعجاز‌انگیز را روشن خواهد کرد و به همین مبنا بیست و هفتم شهریورماه مصادف با سالروز درگذشت محمدحسین بهجت تبریزی، متخلص به شهریار به‌عنوان روز ملی شعر و ادب فارسی معرفی‌شده است.

شهریار یکی از شاعران متعدد و فراوانی است که دل از سیدعلی خامنه ای رهبر انقلاب برده و رهبر اهل‌دل و ادب‌دوست ما از او با عنوان «حکیم» یادکرده‌اند. نگاه خامنه‌ای حکیم به شعر را می‌توان از همین لقبی که ایشان به شهریار داده دریافت: او شعر را جلوه‌ای از حکمت می‌داند همچون امام روح‌الله که «لسان شعر» را «بالاترین لسان» می‌دانت. گفتیم رهبر انقلاب به طیف گسترده‌ای از شعرای معاصر علاقه دارند، از المکی‌الشعرايی بهار گرفته تا پروین اعتصامی، از امیر فیروزکوهی گرفته تا اخوان و شفیعی کدکنی. اما در اردبیلی‌های سال ۱۳۷۷ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دیداری با جوانان داشتند که در آن جلسه یکی از جوانان از ایشان می‌پرسد: از بین شعرای معاصر، آثار کدام‌یک را بیشتر مطالعه کرده‌اید و به او علاقه دارید؟ معظم له در پاسخ می‌فرماید که در هر قالب شعری به چند نفر علاقه دارند و در غزل از سه نفر نام می‌برند که یکی از آن‌ها، «شهریار» است.

ایشان می‌فرمایند: از شعر شهریار خیلی خوشم می‌آید و با ایشان هم آشنا بودم. البته شمس‌الدین محمد علی نورانی« نوشته سعید علامیان است. این کتاب حاصل حدود ۴۰ ساعت مصاحبه علامیان با محمد نورانی است که توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده است. در طول تاریخ این کشور افراد زیادی جان و مال خودشان را برای حفظ این مرز و بوم و آرمان‌هایشان به خطر انداختند و مجاهدانه همه چیز خود را فدا کردند تا لطمه‌ای به وطن و اهل آن وارد نشود. «پسرهای ننه عبدالله» سرگذشتی از زندگی محمد نورانی و خانواده او در جنگ است، شرح بی‌قراری مادری از اهل جنوب که برای دفاع از وطنش با خدا معامله کرد.

خواننده در این کتاب با نگاه تازه و متفاوتی، مقاومت مردم و آزادی خرمشهر را می‌بیند و زوایای تازه‌ام دفاع مقدس را که تا کنون کمتر به آن پرداخته شده است، درک می‌کند. کتاب به وقایعی از روزهای اول جنگ و مقاومت مردم و جوانان شهر زیبا و بندری خرمشهر پرداخته که خیلی از مردم کشورمان و حتی خیلی از فرماندهان جنگ از جزئیات آن اطلاع دقیقی ندارند زیرا آن صحنه‌ها و لحظات ناب را ندیده‌اند و روایت و خاطره چندان‌ی هم از آن دوران نقل نشده‌است.

در این کتاب از جوانانی گفته شده است که قبل از جنگ تفریح‌شان پوشیدن لباس‌های شیک و قدم زدن در کنار ساحل کارون بود ولی هنگامی که دشمن ناجوانمردانه تمام نقاط شهر را آتش توپخانه برسر مردم ویران کرد و زنان و کودکان بی‌گناه را هدف قرار داد سلاح به دست گرفتند و با یک جنگ پارتیزانی تمام‌عیار درکوچه و پس‌کوچه‌های خرمشهر این شهر را قبرستان متجاوزین کردند.
راوی و برادرانش هرچند با وجود جراحات متعدد و جانبازی تا پایان جنگ تحمیلی، حضوری افتخارآمیز داشته و در همه عملیات‌های جنوب ایران شرکت کردند اما چون نبرد خرمشهر و آزادسازی آن درعملیات بیت‌المقدس را شایبیت همه نبردهای هشت سال دفاع مقدس می‌دانند، کتاب را با آزادسازی خرمشهر به پایان می‌برد هرچند که در فصل پایانی به صورت مختصر برخی وقایع را تا پایان جنگ می‌کند.

ارتش عراق سی ویک شهریور پنجاه ونه، از مرز شلمچه به طرف خرمشهر حرکت کرد و به دروازه های خرمشهر رسید، اما همان‌جا زمین‌گیر شد. دشمن که امتیازش انجام حمله برق آسا بود به دام جنگ فریاشی محلی و مردم و جوانان خرمشهری به همراه نیروهای داوطلب نظامی محلی و تعدادی از پاسدارهای جوان شهرهای دیگر، با سی‌وپنج ریز ایستادگی توانستند امتیاز غافلگیری را از دشمن بگیرند. همین مدت کافی بود که نیروهای ارتش، سپاه و بسیج خود را بیابند و موازنه جنگ را عوض کنند. آن‌ها پس از نوزده ماه موفق شدند متجاوزین را به مرزها برانند، شهرهای اشغال شده را یکی پس از دیگری آزاد کنند و کل سرسبز این شهرها یعنی خرمشهر را به دامن وطن بازگردانند.

نویسنده در این کتاب ضمن پرداختن به خاطرات راوی اطلاعات بسیار خوبی برای آشنایی با گوشه هایی از فرهنگ بومی خوزستان، به خصوص آبادان و خرمشهر، تاریخچه ای از وقایع دوران انقلاب و پس از پیروزی انقلاب پیش روی مخاطب می گذارد و روایت‌های دقیق و خوب از شورش خلق عرب که به منظور تجزیه خوزستان، خرمشهر را دچار تنش کرد و با ایستادگی جوان های مؤمن و انقلابی سرکوب شد، مطرح می کند.

راوی به خوبی در این اثر تشریح می‌کند که عوامل این غائله که از عراق تأمین می‌شدند، در فعالیت‌های زیرزمینی اقدام به بمب‌گذاری و خرابکاری در اماکن و مراکز مختلف کردند. نیروهای انقلابی خوزستان از آن پس مشغول مقابله با این نوع تحرکات پنهان بود که حمله آشکار و رسمی عراق به شهرهای سرزمینمان آغاز شد. رزمندگان خرمشهر، مقاومت خرمشهر را چهل وپنج روز می‌دانند، چراکه ارتش عراق در روز پیش از آغاز حمله رسمی، تعرض به پاسگاه های مرزی را شروع کرده بود. در این مدت، حتی چند نفر از نیروهای مدافع برای جلوگیری از نفوذ نیروهای بعثی در مرز شهید شدند. محمد نورانی در خاطرات خود جزئیاتی از حوادث این ده روز، سپس مقاومت سی وپنج روز پس از حمله گسترده ارتش عراق را بیان می‌کند؛ روایتی که زوایای تازه‌ای را از آن حماسه تاریخی روشن می‌کند.

خواننده ضمن مطالعه کتاب متوجه می‌شود که مدافعین خرمشهر پس از سقوط باشد با اینکه یک گام عقب نشستند، ولی به همدیگر روای نیروهای ارتش و سپاه اجازه ششوروی به متجاوزین را ندادند و همیشه یک سوم خرمشهر در آن‌سوی رودخانه کارون دست نیروهای مدافع بود و برخلاف تصور اکثریت ما خرمشهر هیچ‌وقت به طور کامل به اشغال ارتش عراق درنیامد.

نیروهای خرمشهری در اردیبهشت سال شصت و یک با تشکیل تیپ مستقل ۲۲ بدر در عملیات بزرگ بیت‌المقدس شرکت کردند. سید عبدالرضا موسوی و بسیاری از یاران او شهدای همین عملیات هستند راوی چگونگی شهادت آنان را روایت کرده است. او این پیروزی را موهون همه مردم ایران می‌داند و می‌گوید: «چچه های خرمشهر سی وپنج روز به نیابت از مردم ایران در خرمشهر مقاومت کردند و مردم ایران به نیابت از مردم خرمشهر در بیست وسه روز خرمشهر را به مردم خرمشهر برگردانند.»

در ماجراهای مقاومت و آزادی خرمشهر، علاوه بر محمد نورانی، سهاله برادر ایشان: عبدالله، غلامرضا، محمود و عبدالرسول چهارده ساله هم بودند. مادرشان (ننه عبدالله) که بسیاری از داستان‌ها بر محور او روایت می‌شود، به جز مدت کوتاه مهاجرت به شیراز به آبادان برمی‌گردد و دیگر از صحنه جنگ دور نشده است. او می‌خواسته نزدیک پسرهایش باشد. پسرانی که هرکدام سرنوشتی در جنگ داشتند؛ عبدالرسول و غلامرضا شهید شدند و سه برادر دیگر جانباز جنگ هستند و همین دلیل انتخاب عنوان «پسرهای ننه عبدالله» برای کتاب می‌شود. کوچک‌ترین آن‌ها ۱۳ ساله و بزرگ‌ترین آن‌ها عبدالله فرمانده تیپ بیت‌المقدس بود. هر ۴ برادر در جنگ بودند و مادر این پسرها به نام پسر بزرگ خانواده (بر اساس رسم جنوبی‌ها) شناخته می‌شد.

۷

شماره ۳۲۸۳